

فصل‌نامه جندی‌شاپور، دانشگاه شهید چمران اهواز

سال چهارم، شماره ۱۴، تابستان ۱۳۹۷

## نفوذ خاندان‌های ایرانی در عصر عباسیان و نقش آنان در بسط اندیشه ایرانی‌شهری

رضا شاه‌ملکی<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت: ۹۸/۲/۱۷

تاریخ پذیرش: ۹۸/۴/۹

### چکیده:

دوران عباسیان (۶۵۶-۱۳۲ ه.ق)، از درخشان‌ترین روزگاران به جهت نفوذ ایرانیان در تمام مناصب لشکری، حکومتی و درباری عباسیان بود. خلفای عباسی بر خلاف بنی‌امیه، ایرانیان را به سبب خدمتی که در برپایی حکومت، تهیه دواوین، سالنامه و نیز گسترش علم و دانش به ایشان کرده بودند، گرمی داشتند، و مناصب بالای حکومتی را نیز به آنان واگذار کردند. وزراء، عمال و کتاب و حجاب، درباریان، رجال دولت و خواص حکومت خلفا را موالی ایرانی تشکیل می‌دادند و ایشان به حکومت عباسیان نظم داده، و در اداره پایدار حکومت و قلمرو عباسی نقشی انکارناپذیر داشتند. از دلایل نفوذ روزافزون ایرانیان در میان عباسیان دو دلیل برجسته تر است: نخست به خاطر مهارت و پیشینه ایرانیان در فن حکومت‌مداری و دوم آن‌که خراسان را حاکمان محلی ایرانی اداره می‌کردند. از این رو نیاز بود تا مأمون برای به دست آوردن رضایت آنان سیاستی آشتی‌جویانه دنبال کند. نفوذ ایرانیان در دربار عباسی به حدی بود که آن را به دربار ساسانی مانند کرده بود. این نفوذ، در روزگار هادی و هارون الرشید و مأمون به اوج رسید، و برخلاف دوران بنی‌امیه که حقیرترین اعراب نیز حاضر به ازدواج با ایرانیان نبودند، خلفای عباسی با دختران ایرانی پیوند یافته و اعراب کوشش داشتند نسب خود را به ایرانیان برسانند. این پژوهش برآن است تا خدمات و تأثیر نفوذ خاندان‌های ایرانی را در زمینه‌های حکومت‌مداری، دانش، ادبیات، نجوم... و در یک‌کلام اندیشه ایرانی‌شهری در عصر عباسیان واکاوی کند.

واژگان کلیدی: ایرانیان، خاندان‌های ایرانی، عباسیان، برمکیان، ایران، اسلام.

## ۱- پیشگفتار:

یورش‌هایی که در گذر قرن‌ها به سرزمین ایران شده و پیروزی‌هایی که اقوام و ملل خارجی در آغاز هجوم خود در این کشور به دست آورده‌اند، در نهایت به یک مسیر منتهی شده: ایرانیان همواره هویت ملی خود را نجات داده و روح خود را در فاتحان دمیده و سپس برای خود بعد از دوره‌های خرابی و انهدام موجبات مدنیت جدیدی را فراهم ساخته‌اند. فاتحان خارجی هیچ‌گاه در این سرزمین پیروزی نهایی نداشته‌اند. آنان خیلی زود به رنگ و بوی و خوی ایرانی درآمده‌اند و پس از چندی نیروی تهاجم خود را از دست داده و در تیزاب اندیشه عمیق ایرانی مضمحل شده‌اند.

از سویی، باشندگان این سرزمین خدمات بسیاری نیز به تمدن اسلامی در رشته‌های مختلف علمی، ادبی، فرهنگی، سیاسی، هنری و دینی داشته‌اند. فاتحان عرب خود زودی دریافته بودند اداره قلمرویی چنین فراتر از توان آنان است. اندیشه و توان متفکران، دانشمندان، دبیران، ادیبان و نیز خاندان‌های برجسته و کهن ایرانی جهان نخستین اسلام را دگرگون کرد. اگرچه در تأثیر گذاری بر فرهنگ و تمدن روزگار عباسی اقوام و ملل دیگر نیز نقش داشتند اما بی تردید درخشانترین دست‌آوردهای عصر عباسی در گستره جهان اسلام آن روزگار نتیجه کوشش‌های ایرانیان بود. دست‌آوردهایی که بعدها حتی در رنسانس اروپا نیز ردپایی عمیق برجای نهاد. پیش زمینه‌های فکری ایرانیان که به‌طور کلی از اندیشه ایرانشهری برمی‌خاست، در مواجهه با دنیای اسلام تثبیت و تحول را همزمان به همراه آورد. تثبیت جریانی که از خرافه و درخودماندگی قدیم عرب پیش از اسلام جدا می‌شد و تحولی که از برخورد سرچشمه داشت. برخوردی فرهنگی میان مسلمین و ایرانیان. این برخورد با توجه به آنچه که در این مقاله نشان خواهیم داد به سمت و سویی کشیده شد که موجب رشد فرهنگی و تمدنی گردید. حوزه‌هایی همچون ادب، فلسفه، پزشکی، نجوم و ریاضیات و... با ورود آگاهانه ایرانیان میدان این تحول و رشد شدند.

## ۲- پیش‌زمینه‌ها: عباسیان:

عصر عباسی (۶۵۶-۱۳۲ ه.ق) دوره رونق تمدن اسلامی است. اوج این شکوفایی و رونق علمی در نیمه نخست خلافت عباسی، میان سال‌های ۲۳۲-۱۳۲ ه.ق، بوده است. جرجی زیدان، دوران خلافت عباسی را (از سال ۱۳۲ ه.ق تا سال ۶۵۶ ه.ق)، به چهار بخش تقسیم کرده است، و هر بخش را به «دوره» تعبیر نموده:

دوره اول: سده نخستین (۲۳۲-۱۳۲ ه.ق) دوره دوم، سده دوم (۳۳۴-۲۳۲ ه.ق)، یعنی از آغاز خلافت متوکل عباسی تا آمدن دولت بویه‌یان. دوره سوم (۴۴۷-۳۳۴ ه.ق). یعنی از استقرار دولت بویه‌یان، تا

ورود سلجوقیان به بغداد و دوره چهارم (۶۵۶-۴۴۷ ه.ق)، از ورود سلجوقیان به بغداد، تا سقوط بغداد به دست مغول.<sup>۱</sup>

جرجی زیدان، همچنین درباره دوره نخستین می‌نویسد:

«آن سده، عصر طلایی اسلام است. حکومت مسلمین در این سده، با ثروت و تمدن و سیادت، به قلّه عظمت خود رسید. بیشتر علوم اسلامی نضج گرفت، و مهم‌ترین دانش‌های دیگران به عربی ترجمه شد. دربار خلفا از شاعران و ادیبان و دانشمندان مملو گشت، مانند دربار لئوی چهاردهم، پادشاه فرانسه، در روزگار عظمتش.»<sup>۲</sup>

در طول فرمانروایی سلسله عباسی، ۳۷ تن حکومت کردند که برخی از آن‌ها، مانند هارون الرشید، با اقتداری دنیاخواهانه حکومت نمودند و منشأ تحولات مهمی شدند. در عین حال، او در زمره کسانی است که خلاقیت عدالت خواهانه اسلامی را، که خواسته اصلی پیامبر (ص) بود، به شاهنشاهی عربی تبدیل کرد. از آن جایی که اکثریت نسبی علمای اسلامی شیعه بودند و یا حداقل به تشیع گرایش داشتند، تعالی علمی مسلمانان با سیاست اشرافیت جاهلی عرب ارتباط نداشت؛ «منصور دومین خلیفه عباسی و سازنده بغداد، که طراح ایدئولوژی شاهنشاهی عباسیان دانسته می‌شود، به گزارش عموم نویسندگان متقدم عرب، آغازگر و اشاعه دهنده نهضت ترجمه بوده است.»<sup>۳</sup>

با حکومت هارون الرشید (حکومت ۱۹۳-۱۷۰ ه.ق) دولت عباسیان به اوج عظمت و جلال خود رسید. هارون به ترجمه دانش‌های غیر عربی؛ نظیر ایرانی ساسانی و یونانی علاقمند بود و درباری با شکوه و جلال داشت<sup>۴</sup>؛ لذا حامی ترجمه آثار یونانیان بود. به گزارش ابن ندیم «نخستین ترجمه کتاب طبیعت ارسطو در روزگار او فراهم شده است.»<sup>۵</sup> بعد از او، میان فرزندان، مأمون و امین، بر سر حکومت اختلاف افتاد؛ اختلافی که به جنگی تمام عیار تبدیل شد. درگیری‌های دو برادر، در آغاز، سبب تجزیه قلمرو جهان اسلام شد؛ امین بر بغداد و عراق حکومت می‌کرد و مأمون، که مادرش ایرانی بود، به سرزمین‌های شرقی توجه داشت و بر ایران حکومت می‌کرد. «شاید همین توجه او به ایران و حضور ایرانیان در دربارش سبب چیرگی او بر برادرش شده باشد.»<sup>۶</sup>

۱. زیدان، تاریخ تمدن اسلام، ج ۱، ص ۱۲۰.

۲. همان، ص ۱۲۳.

۳. گوتاس، تفکر یونانی، فرهنگ عربی، ص ۴۲.

۴. نک: یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۴۰۷-۴۱۳.

۵. ابن ندیم، الفهرست، ص ۳۰۴.

۶. مکی، تمدن اسلامی در عصر عباسیان، ص ۴۳.

حمایت مأمون از نهضت ترجمه چنان قاطع و همه‌جانبه بود که برخی، به خطا، او را آغازگر این نهضت دانسته‌اند. درباره علل توجه مأمون به ترجمه، تحلیل‌های متعددی وجود دارد. علت مهمی که همه منابع متقدم نقل کرده‌اند خوابی است که مأمون دیده است. بر اساس گزارش‌های این نویسندگان، «مأمون شبی در خواب ارسطو را می‌بیند و از او چیزهایی می‌پرسد»<sup>۱</sup>. ابن ندیم این خواب را علت اصلی توجه بیش از پیش مأمون به ترجمه می‌داند و می‌نویسد که پس از آن، «مأمون در مکاتباتی از پادشاه روم خواست که برخی از آثار یونانیان را برای او بفرستد و با پافشاری بر این مطلب حاکم روم، پس از چند بار مخالفت، با این درخواست مأمون موافقت کرد»<sup>۲</sup>.

در یک جمع بندی اجمالی از تحلیل‌های متقابل می‌توان گفت سلسله‌های بنی امیه و بنی عباس علاوه بر تبدیل خلافت اسلامی به امپراتوری عربی و بهره جستن از اسلام به منزله پوششی برای مشروعیت بخشیدن به پادشاهی خود در حوزه آرمانی نیز با استفاده از تئوری و نظریات اصحاب فکر غیر مسلمان، قصد ایستادگی در برابر اسلام را داشتند و رفته رفته از مبانی نظری اسلام، که مخالف احیای اشرافیت جاهلی بود، سرپیچی کردند.<sup>۳</sup>

### ۳- ایرانیان، امویان و عباسیان:

نقش ایرانیان مسلمان در عصر امویان در زمینه‌های سیاسی، نظامی، علمی و فرهنگی نیز به شدت نادیده گرفته شده است. می‌دانیم که در این روزگار، به دلیل سیاست عرب‌گرایی خلفای اموی و ظلم و ستمی که بر سایر نژادها به ویژه ایرانیان روا می‌داشتند طبقه ای در جامعه مسلمانان بوجود آمد که در متون تاریخی از آنان با نام «موالی» یاد می‌شود. این افراد که بیشتر ایرانی بودند، در عرصه‌های سیاسی، نظامی، اجتماعی، علمی و فرهنگی نقش موثری داشتند. چنانکه حتی ترویج ادبیات عرب نیز مرهون تلاش‌های همین طبقه است. به عنوان مثال عبدالحمید کاتب و عبدالله بن مقفع در زمینه نثر فنی و ترجمه متون تاریخی و ادبی فارسی به زبان عربی کارهای عمده‌ای انجام دادند. ایرانیان علاوه بر عهده داری مناصب دیوانی چون دیوان خراج و مال، ترجمه این دیوان‌ها را در عصر حجاج بن یوسف ثقفی به زبان عربی بر عهده داشتند. این نادیده انگاشتن را می‌توان در میان برخی پژوهشگران معاصر ایرانی نیز دید. چنانکه در

۱. گوتاس، تفکر یونانی، فرهنگ عربی: ص ۱۳۳-۱۴۶.

۲. ابن ندیم، همان ص ۳۰۳.

۳. برای آگاهی بیشتر نک: ستاری و اسماعیلی، «بررسی نقش وزیران ایرانی در احیاء و گسترش هویت ملی در دوران حکومت عباسیان سامانیان غزنویان و سلجوقیان»، ص ۱۷۳.

کتاب «تاریخ ایران اسلامی» اعلام شده که ایران پیش از اسلام از نظر علمی، اندوخته چندانی نداشته است در حالی که چند سطر پایین‌تر از «ثروت علمی ایرانیان در حوزه‌های تاریخ و اخلاق» سخن می‌گوید.<sup>۱</sup> خلافت امویان به دلیل دوری آگاهانه از باورهای اسلامی عموماً مورد طعن جامعه اسلامی قرار گرفته به ویژه که حوادثی چون واقعه عاشورا، آتش زدن کعبه، قتل زید بن علی و جنایات حاکمانی مانند حجاج بن یوسف ثقفی را نیز در کارنامه حکومتی خود ثبت نموده. در واقع بنی امیه خلافت را تبدیل به حکومتی کردند که از فساد برکنار نبود. آنان سرزمینهای فتح شده را به دیدهٔ تحقیر می‌نگریستند؛ مردم آن سرزمین‌ها را مسلمانان درجهٔ دو و سه حساب می‌کردند و موالی می‌خواندند. این همه، از سوی ایرانیان بی‌واکنش نماند: آنان نارضایتی خود را یا «در بازو به صورت شورش‌ها، یا در کلام به صورت شعرهای شعوبیه نشان دادند».<sup>۲</sup>

در همان آغاز، عباسیان با ادعای اینکه از آل محمد (ص) هستند، خود از این احساس ایرانیان که می‌توانست با حمایت از جدی‌ترین و محبوب‌ترین مخالفین بنی امیه یعنی خاندان پیامبر (ص)، به استقلال سیاسی رسید، بهره‌برداری کردند. این همکاری به سرعت ایرانیان و شیعیان را به هم نزدیک کرد و «ایرانیانی که در آغاز با انگیزه‌های سیاسی به مذهب شیعه گرایش یافته بودند، رفته رفته به آن پیوستند و پس از شناخت و آگاهی بیشتر، خالصانه بدان گرویدند».<sup>۳</sup> دلیلی که نشان دهد یاران ایرانی دولت عباسی در دورهٔ نخست آن دولت ضدعرب بوده‌اند در دست نیست، خاندان عباسی در عصر اموی شبکه وسیع و پیچیده‌ای از طرفداران مخفی پرورش داده بودند. نخستین اعضای شبکه زیرزمینی عباسیان موالی- نو مسلمانان غیرعرب- و اعراب جنوبی خصوصاً بنی مسیله بوده‌اند، و نهضت عباسیان درست از آغاز تا پیروزی حاصل تشریک مساعی عنصر ایرانی و عرب بوده است.<sup>۴</sup>

بدین روی عباسیان، سنن ایرانی را با الگوی قبیله و تفسیرهای مذهبی ترکیب نمودند و در توجیه مشروعیت خلافتشان به کار بستند. در خلافت راشدین، وجهی از مردم‌گرایی معطوف به سنن قبیله و به هر حال، رضایت صحابه وجود داشت. امویان بر تغلب و جبر الهی در مشروعیت خود تأکید داشتند. «ولی عباسیان برای نخستین بار و به احتمال زیاد با الهام از ایرانیان علاوه بر نص که شیعیان معتقدند، بر عنصر «وراثت» در خلافت تأکید نمودند».<sup>۵</sup>

۱. جعفریان، تاریخ ایران اسلامی، ج اول تا سوم، ص ۲۴۳.

۲. اسلامی ندوشن، «هویت ایرانی در دوران بعد از اسلام»، ص ۵۱.

۳. خضری، تاریخ خلافت عباسی از آغاز تا پایان آل بویه، ص ۵.

۴. ن ک: فرای، عصر زیرین فرهنگ ایران، ص ۵۰۷.

۵. قادری، تحول مبانی مشروعیت خلافت، ص ۱۲۱-۱۲۲.

#### ۴- خاندان‌های ایرانی عصر عباسی و بسط اندیشه ایرانی‌شهری:

دوران عباسیان را به ظهور خاندان‌های قدرتمند ایرانی چون برمکیان، خاندان سهل و نوبختی که از همه مشهورتر بودند می‌شناسند. خاندان سهل بی‌تردید بیشترین تلاش را برای بازسازی هویت ایرانی در دل حکومت عباسی کرده‌اند. اساساً ویژگی برجسته این خاندان‌های نیرومند، حفظ و گسترش جایگاه ایرانیان و به دنبال آن حفظ فرهنگ و هنر و سیاست و حکومت ایرانی بود. برای همه این خاندان‌ها به ویژه خاندان برمکی بازگشت به عظمت و شکوه ایرانشهر عصر ساسانی مهم‌ترین هدف سیاست‌ورزی در دستگاه عباسیان بود.

حضور چشمگیر ایرانیان در روزگار عباسی موجب شده بود تا در تمام ارکان دولت نفوذ کنند، و در پی آن انتقال پایتخت از دمشق به بغداد در حدود ایران و در جوار شهر مدائن پایتخت ساسانیان، سبب گردید که آداب و سنت‌های ملی ایران در کلیه ممالک اسلامی رخنه کند و هنر ایرانی در هنر اسلامی نفوذ فراوانی یابد. برای نمونه شهر بغداد که احداث آن در (۷۲۶ م / ۱۴۵ ق) به وسیله خلیفه المنصور آغاز شد، به صورت شهری مدور مانند فیروزآباد ساسانی طرح ریزی شد. این شهر، «یک کاخ سلطنتی کاملاً مجزا داشت و در مدخل تالار اجتماعات آن یک ایوان سبک ایرانی احداث شده بود».<sup>۱</sup>

خلفای عباسی تنها ظواهر تمدن ایرانیان را قبول نکردند بلکه آنها نیز مانند بنی امیه از راه غارت بیت‌المال و تحمیل مالیات‌های مختلف به ملل تابع، درباری بس با شکوه (مانند سلاطین ساسانی) برای خود ترتیب دادند.<sup>۲</sup> علاوه بر این، در عهد عباسیان حتی شکل لباس و نوع غذا و سبک موسیقی و امثال آن نیز تحت تاثیر نفوذ ایرانی بود. این نفوذ در زمان هادی و هارون الرشید و مامون به اوج کمال رسید.<sup>۳</sup> مورخین مهدی را کسی می‌دانند که آداب و عادات و تجملات ایرانی را که آشکارا از خارج به عاریه گرفته شده بود، وارد دربار خود کرد.<sup>۴</sup>

نمونه‌های نفوذ و تاثیر ایرانیان فراوانند. جشن نوروز هم که عید باستانی ایران بود، در عصر بنی‌العباس بدل به یک عید ملی رسمی شده بود که به اندازه عید فطر بدان اهتمام می‌کردند و خلفا برای تهنیت و تبریک در آن روز به بار عام می‌نشستند.<sup>۵</sup> در همین رابطه، مورخ مشهوری چون جاحظ می‌نویسد:

۱. مورگان، ایران در قرون وسطی، ص ۲۴.

۲. راوندی، تاریخ تحولات اجتماعی، ج ۲، ص ۱۳۶.

۳. بنگرید به: براون، تاریخ ادبی ایران، ص ۲۷۴.

۴. برای دریافت‌های بیشتر در این باره، نک: آبروی و دیگران، تاریخ اسلام (پژوهش دانشگاه کمبریج)، ص ۱۷۱.

۵. نک: امین، پرتو اسلام (ضحی الاسلام)، ص ۱۳۹.

«عبدالله بن طاهر در نوروز و مهرگان هر چه جامه در خزانه داشت می بخشید و یک جامه به جای نمی گذاشت.»<sup>۱</sup> همین طور جشن سده و مهرگان نیز به همین گونه مورد توجه آنها گشت و حتی جشن سوری را هم فراموش نکردند.<sup>۲</sup>

در آن زمان کلاه و لباس پارسیان همه گیر شده بود و حتی قضاات کلاه‌های بزرگ ایرانی بر سر می‌نهادند. خلفا نیز مطابق رسم و آئین ایرانی کلاه بر سر می‌گذاشتند.<sup>۳</sup>

در دربار آداب و رسوم پادشاهان ساسانی را تقلید می‌کردند و جامه‌هایی با نقوش و خطوط زرین می‌پوشیدند و «اعطای اجازه پوشیدن این نوع لباس‌ها از حقوق مختصهٔ خلیفه بود».<sup>۴</sup> بر خلاف دوران بنی‌امیه که حقیرترین اعراب نیز حاضر به ازدواج با ایرانیان نبودند، خلفای عباسی با دختران ایرانی ازدواج می‌کردند و حتی فرزندان این زنان به مقام خلافت رسیدند. مانند مامون که مادرش ایرانی بود و با پوران دختر حسن بن سهل ازدواج کرد و داستان تجمل و شکوه فراوان جشن ازدواج ایشان را مورخین به تفصیل آورده‌اند.<sup>۵</sup> مورخین اسلامی اشاره دارند که حسن بن سهل شکوه اشرافیت و آداب و رسوم ایرانی را در عروسی دخترش به تماشا گذاشت.

از جمله تأثیرات مهم آداب و عادات ایرانیان در جامعه اسلامی آن عهد شیوع موسیقی ایرانی با تمام لوازم آن همراه مجالس طرب و غنا بوده است. موسیقی دانان بزرگ ایرانی از قبیل اسحاق موصلی و ابراهیم موصلی و شاگردشان زریاب و بسیاری از نظایر آنان مجالس لهو و نشاط خلفا و رجال را از آهنگ‌های ایرانی خود پیر می‌کردند و غزلگویان ایران که بشار بن برد طخارستانی و ابوانس خوزستانی در راس آنان قرار داشتند بدین مجالس سماع رونق شعر را افزودند.<sup>۶</sup> نفوذ ایرانیان در ساحت‌های دانش، و منطق و فلسفه و پزشکی و نحوه و هیئت و ... همگی را بایستی در راستای بسط اندیشه ایران‌شهری تاویل و تفسیر کرد. از این جهت تلاش‌هایی که ایرانیان و خاندان‌های مشهور ایرانی عصر عباسی برای بسط دانش و هنر و فرهنگ ایرانی صورت دادند را در زیر برمی‌شمردیم و نشان خواهیم داد که تا چه میزان این خاندان‌ها دارای اهمیتی ویژه در گسترش اندیشه ایران‌شهری بوده‌اند.

۱. جاحظ، تاج، ص ۲۰۴.

۲. نک: زرین کوب، تاریخ ایران بعد از اسلام، ص ۴۴.

۳. امین، همان، ص ۱۴۰.

۴. براون، تاریخ ادبی ایران، ص ۲۷۴.

۵. مسعودی، مروج الذهب، ج ۲، ص ۴۴۳.

۶. صفا، دورنمایی از فرهنگ ایرانی و اثر جهانی آن، ص ۵۷.

### ۵- ایرانیان و مسألهٔ دانش:

اکثر هنرمندان، نحویون، قضات و علمای دوران عباسیان، ایرانی بودند. فضل بن سهل نوبختی که وزیر مامون که قبلاً مباشر یحیی برمکی بود، از خاندان اصیل ایرانی بوده و نواده یکی از سلاطین قدیم ایرانی بود که به تازگی مسلمان شده بود. ابراهیم موصلی مغنی معروف دربار خلافت نیز اصلاً ایرانی بود. دربار خلافت، زرتشتیان و مسیحیان را گرامی می‌داشت و اشراف عرب سیادت و برتری خود را از دست داده بودند و برای آنها فقط احترام باقی مانده بود. خلیفه نیز دیگر رئیس جامعه مسلمانان نبود و جانشینی شهریاران سابق ایران را بر عهده گرفته بود و شخصی شده بود، مرموز و با ابهت که غالباً از دیده اطباء و زردستان خود پنهان و ناپدید می‌ماند. برای تمام جزئیات زندگی روزانه و تعیین خصوصیات زندگی مذهبی و اداری، ایران را نمونه و سرمشق خود قرار دادند.<sup>۱</sup>

در میان وزرای ایرانی، یحیی برمکی کسی بود که به علم و دانش و فلسفه اهمیت بسیار می‌داد. در واقع یحیی که همیشه طرفدار علم و معرفت بود و علما و هنرمندان و فلاسفه را تشویق می‌نمود و مباحث مذهبی و اخلاقی را بسیار دوست می‌داشت، با طیب خاطر فقهای مسلمان و آزاد فکran و علمای سایر فرق را گرد می‌آورد و به مباحث فلسفی گرم می‌شد. یحیی در کاخ خویش به مباحثه در مسائل گوناگون علمی با دانشمندان مشغول می‌شد، و علما و شعرا و .. از خان نعمت او همواره برخوردار بودند، به طوری که ابونواس شاعر توانا و سخن پرور که در علم لغت کسی در ردیف او نبود، در مدح برمکیان به خصوص فضل قصاید شیوا سروده است. ابونواس خود نیز اصالتاً ایرانی بود. وی از مادری ایرانی در اهواز به دنیا آمده بود و در سال ۱۹۵ هجری قمری در بغداد وفات یافت.

مشهور است که سیبویه عالم نحوی معروف مبلغ ده هزار درهم به طور مستمری از یحیی دریافت می‌کرد، و یحیی از توجه به مترجمین عرب برای کتب یونانی و فارسی و هندی دریغ نمی‌ورزید. برای نمونه آثار پارسی که به طور غیرمستقیم به عربی نقل و در لغت عرب شیوع و انتشار پیدا کرده بود، در علم و ادب و شعر و لغت عرب تأثیر مهمی نموده، عقل و فکر و قریحه و هوش ادبا را پرورش داده و روح تازه در کالبد ادب عرب دمید.<sup>۲</sup>

### ۶- ایرانیان و پزشکی:

در زمان هارون ترجمه کتب، رشد و رونق عظیم یافت. ابن ندیم صاحب کتاب الفهرست اشاره دارد که که یحیی برمکی یکی از علما را به هند فرستاد تا عقاقیر آن مملکت را برای او بیاورند و ضمناً رساله‌ای درباره

۱. کانپوری، برمکیان، (عصر طلایی اسلام و خلافت عباسی)، ص ۲۸۸.

۲. بنگرید به: امین، پرتو اسلام (ضحی الاسلام)، ج ۱، ص ۲۰۳.



مذهب هندیان تهیه نماید. باید دانست که برمکیان مکرر علما و فلاسفه و حکما و اطباء آن مملکت را به محضر خود می‌آوردند. برای نمونه طبیب معروف مسیحی مذهب «بختیشوع» ثروت خود را مدیون یحیی برمکی بود. هارون که در اوایل خلافت خود مریض شده بود به وزیرش (یحیی برمکی) از ناآگاهی اطبای دربار گلایه کرده و از او خواسته بود تا یرایش طبیبی حاذق بیابد.<sup>۱</sup> یحیی بختیشوع مسیحی را که در جندی شاپور بود معرفی نمود و سپس وی را از آنجا به بغداد آوردند. خلیفه این طبیب را مورد اعزاز و احسان قرار داد و به سمت «رئیس اطباء» منصوبش کرد. در واقع در میان علومی که عباسیان برای ترجمهٔ آن‌ها اهمیت فراوان قائل بودند، علم پزشکی مهم‌ترین بود. کتابهای ترجمه شده در علم پزشکی عمدتاً از آن دانشمندان یونان و هند بود، و کتابهای پزشکی ترجمه شده از یونانی از دو طبیب بلند آوازه یونان، بقراط و جالینوس بود. ابن ندیم نام کتابهایی که از آنان به عربی ترجمه شده است را با نام مترجمان آن کتابها ذکر نموده است. نکته مهم این جاست که این آشنایی به واسطه ایرانیان انجام می‌شد.<sup>۲</sup> جاحظ نیز گفته است که از جمله پزشکانی که یحیی بن خالد برمکی به بغداد آورد: «عبارت بودند از: منکه، بازیگر، قمبرقل، و سندباد.»<sup>۳</sup>

#### ۷- ایرانیان و ریاضیات و نجوم:

دومین کتابهای ترجمه شده به عربی مربوط به علوم هیأت و ریاضیات می‌شد. کتابهای ترجمه شده مربوط به این قسمت نیز عمدتاً از یونانیان و هندیان و فارسیان بود. آشنایی و رابطهٔ مسلمانان با هندیان در مورد علم هیأت بر آشنایی و رابطهٔ آنان با یونانی‌ها پیشی دارد، چنانکه نقل کرده‌اند گروهی از مردم هند در سال ۱۵۴ هـ- بر منصور وارد شدند، و در میان آنان فردی منجم بود، منصور از وی خواست تا کتاب مختصری را در علم هیأت تألیف نماید، آنگاه دستور داد تا آن کتاب را به عربی ترجمه کردند. کتاب وی سند هند نامیده شد.<sup>۴</sup>

این کتاب مورد توجه بسیاری از دانشمندان اسلامی قرار گرفت، چنانکه، محمد بن ابراهیم فزاری، حبیب بن عبد الله بغدادی، و محمد بن موسی خوارزمی کتابهای خود را بر اساس سند هند تألیف نمودند. در میان دانشمندان ایرانی اسلامی، ابوریحان بیرونی بیش از دیگر دانشمندان ایرانی اسلامی در علوم و

۱. ابن ندیم همچنین متذکر می‌شود که برمکیان به مسائل مربوط به هند علاقه وافری داشتند. نک: ابن ندیم، الفهرست، ص ۳۱۳.

۲. ابن ندیم، همان، ص ۴۰۰-۴۰۵.

۳. امین، یرتو اسلام (ضحی الاسلام)، ج ۱، ص ۲۴۴.

۴. امین، همان، ص ۳۴۳.

ادبیات هند مطالعه داشت. از مشهورترین تألیفات او در زمینه علوم و ادبیات هندی، کتاب الاثار الباقیة من القرون الخالیة است. جرجی زیدان نقش مهمی برای این تألیف بی‌مانند در جهت اعتلای فرهنگ و تمدن اسلامی متذکر شده است

اهمیت علوم هم‌چون علم هیات برای خلفای عباسی به آن اندازه بود که برای نمونه منصور، نویخت فارسی، بزرگ خاندان نویخت را به عنوان منجم مخصوص خود برگزید. و آنگاه که ضعف ناشی از پیروی بر او غلبه کرد، فرزندش ابوسهل را جانشین پدر نمود.<sup>۲</sup>

#### ۸- ایرانیان و اخلاق و سیاست:

به گفته مسعودی در مروج الذهب، یحیی برمکی از میان فرزندان خالد از هر جهت شایسته و زینده صدارت بود. او در علم و ادب، فضل و کمال، عادات و اخلاق، سیاست و مردم‌داری، بلند همتی و ضعیف نوازی، دومین خالد برمکی بود. پس از رسیدن به سن رشد بازوی توانای حکومت گردید و بارها استانداری ولایات مختلف به او واگذار می‌شد، و در نتیجه کاردانی، درایت، و پختگی افکار او نمایان گشت و هارون او را بر مسند وزارت جای داد، به طوریکه بسیاری از تذکره نویسان او را در ردیف اول وزیران اسلام به شمار می‌آورند.<sup>۳</sup>

البته این را هم باید اضافه کرد که امام موسی بن جعفر ملقب به کاظم (ع) را هارون وقتی از مدینه پیش عیسی بن جعفر محبوس داشت، بعد از آن به بغداد فرستاد و در نزد «سندی بن شاهک» زندانی ساخت. گویند در این زمان یحیی بن خالد برای اینکه اتهام تمایل به شیعه‌گری را از خود دور کند زهر در خرماي تر کرد و برای امام فرستاد که آن باعث مرگ و شهادت وی گردید.<sup>۴</sup>

#### ۹- ایرانیان و منطق و فلسفه:

اما در زمینه منطق و فلسفه نیز کتاب‌های مهم و برجسته‌ای به عربی ترجمه شد. عمده کتابهای مربوط به این دو فن از یونانی به عربی برگردانده شد و همگی نیز از تألیفات ارسطو می‌باشند. کتابهای منطقی او عبارتند از: قاطیغوریاس (مقولات) که توسط حنین بن اسحاق ترجمه شد، باری ارمینیاس (عبارت قضایا)، که حنین آن را به سریانی و اسحاق به عربی ترجمه نمود.

۱. زیدان، تاریخ تمدن اسلام، ج ۱، ص ۵۷۷.

۲. ابن ندیم، الفهرست، ص ۳۷۱-۳۷۸.

۳. کانپوری، برمکیان، (عصر طلایی اسلام و خلافت عباسی)، ص ۱۹۸.

۴. شهرستانی، توضیح الملل، جلد ۳، ص ۲۲۳.

آنالوطیقا (تحلیل القیاس) که توسط تئودور به عربی ترجمه شد و حنین آن را اصلاح کرد. و کتابهای دیگری همچون آنالوطیقا دوم (کتاب برهان)، که اسحاق آن را به سریانی و سپس متی به عربی ترجمه نمود. پیشتر هم گفته شد که ابن ندیم فهرستی از این کتب را به دست داده. بسیاری کتابهای دیگر را نیز میتوان در این شمار آورد که در اینجا ضرورتی برای نام بردن از همه آنها نیست. از افلاطون نیز کتاب‌هایی به عربی ترجمه شده که عبارتند از، سیاست، مناسبات، نوامیس، نیماوس، توحید، حسن و لذت و اصول هندسه.<sup>۱</sup>

#### ۱۰- ایرانیان و تاریخ و ادبیات:

اما در زمینه تاریخ و ادبیات و داستان، بیشترین کتاب‌هایی که در این زمینه به عربی ترجمه شد، به زبان هندی و فارسی بود. در این زمینه، یک ایرانی مشهور به نام ابن مقفع، بخش بزرگی از این رسالت را بردوش گرفت. وی در زمان عمر کوتاه خویش، توانست آثار بی‌شماری ترجمه و تألیف کند. او عالمانه منطق یونانی را وارد فرهنگ و ادب عربی نمود و دست به ترجمه آثار برجسته از فارسی و فرهنگ کهن ایران به عربی زد که تأثیرات پایداری برجا نهاد. ربانی گلپایگانی در مقاله ای به این ترجمه‌ها و تأثیراتشان پرداخته است.<sup>۲</sup> برخی از کتابهای مربوط به تاریخ، ادبیات و داستان که توسط مترجمان ایرانی از هندی به عربی ترجمه گردید به شرح زیر است: کتاب سندباد کبیر، سندباد صغیر، یوزاسف، هندوچین، پادشاه آدم‌کش و شناگر هند، کتاب هند درباره هبوط آدم و کتب دیگر.<sup>۳</sup>

#### نتیجه:

با برقراری دولت عباسیان اوضاع اجتماعی ایرانیان بسیار بهتر شد، اولین خلفا که از نقش ایرانیان در تأسیس این دولت به خوبی اطلاع داشتند، در محکم ساختن شالوده حکومت عباسی از ایشان بهره بردند. بویژه اینکه ایرانیان دارای پیشینه‌ای درخشان بودند و گذشته‌ای روشن در بافتن فرش تمدن داشتند. ایرانیان مشاغل و مناصب حساس حکومتی را در اختیار گرفتند و تشکیلات دیوانی جامعه اسلامی، از تشکیلات ساسانیان تقلید شد. وزرا از میان بزرگان ایرانی انتخاب شدند و در پی آن پست‌های کلیدی جامعه را به هم نژادان خویش واگذار می‌کردند. کم‌کم خلفا ایرانیان را بر سایر اقوام برتری دادند و اعراب به کناری رانده شده، ایرانیان صاحب جایگاه آنان شدند. با افزایش قدرت روز افزون ایرانیان، اعراب سعی می‌کردند با

۱. زیدان، تاریخ تمدن اسلام، ج ۱، ص ۵۷۷.

۲. ربانی گلپایگانی، «علم کلام در عصر ساسانیان»، ص ۹۳.

۳. زیدان، همان، ج ۱ ص ۵۷۸.

انواع حیل‌ها و تدبیرها ایرانیان را از کار برکنار نمایند و خود جانشین آنها شوند. با همین هدف بود که خون برخی از وزیران ایرانی ریخته شد و جان و مال آنان به هدر رفت. هارون الرشید خاندان برمکی را برانداخت و مأمون فضل بن سهل را از میان برداشت.

از سوی دیگر، با سعی و تلاش ایرانی نژادان، آداب و رسوم ایران در دربار خلفای عباسی چنان رواج یافت که دربار عباسیان شباهت فراوانی به دربار ساسانیان پیدا کرد. هنرمندان ایرانی در موسیقی و شعر به دربار راه یافتند و زینت بخش مجالس خلفا شدند. هنرهای ایرانی سرمشقی برای هنرمندان اسلامی شد و هنرمندان در رشته‌های مختلف از منابع کهن ایرانی الهام گرفتند. دانشمندان و علمای ایرانی مورد توجه خلفا واقع شدند و به گسترش و پیشرفت علوم در جامعه اسلامی کمک کردند، خدمات فراوان علمای ایرانی سبب رواج علوم در تمدن اسلامی شد. منجمان و طبیبان ایرانی مورد توجه قرار گرفته و از مقربان درگاه شدند، و این امر سبب شد که فکر ایرانی و اسلوب بیان و کتابت و صنایع ادبی ایشان در میان مسلمانان نشر یابد و علوم ایرانی زیربنای مطالعات و تحقیقات دنیای اسلامی گردد. اینکه در جدال میان امین و مأمون، ایرانیان به حمایت از مأمون برخاستند و کمک کردند تا خلافت به او منتقل شود، پیامدی مهم داشت: پیامد این همراهی، افزایش فراوان نفوذ و قدرت ایرانیان در این روزگار شد تا جایی که برخلاف گذشته، عربان نسب خویش را به ایرانیان می‌رساندند و مدعی انتساب با خاندان کسری بودند. در نتیجه این رخدادها، ایرانیان به یاری خاندان‌های متنفذ ایرانی چون نویختی و برمکیان، با حفظ فرهنگ و اخلاق و خردورزی‌شان، اعراب را مقهور خویش کردند. روشن است که در نهایت ایرانیان تأثیرات و خدمات شایسته و پایداری چه در زمینه علمی و چه در زمینه سیاسی و هنری و ادبی و نحوی و تاریخی و ... در جامعه اسلامی و روزگار عباسی بر جای نهاده و در معنایی کلی تر به عالم اسلام هدیه نمودند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

#### منابع و مأخذ:

- آربری، آرتور جان و دیگران (۱۳۹۰)، تاریخ اسلام (پژوهش دانشگاه کمبریج)، ترجمه احمد آرام، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- ابن ندیم، محمد بن اسحاق (۱۳۸۱)، الفهرست، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: انتشارات اساطیر.
- اسلامی ندوشن، محمد علی (۱۳۷۷)، «هویت ایرانی در دوران بعد از اسلام»، مجله اطلاعات اقتصادی - سیاسی، خرداد و مرداد ۱۳۷۷، شماره ۱۲۹ و ۱۳۰، ص ۵۵-۵۰.

- امین، احمد (۱۳۵۸)، پرتو اسلام (ضحی الاسلام)، ترجمه عباس خلیلی، تهران: انتشارات اقبال.
- براون، ادوارد (۱۳۵۶)، تاریخ ادبی ایران، ترجمهٔ علی پاشا، جلد اول، چاپ سوم، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- خضری، احمد رضا (۱۳۷۸)، تاریخ خلافت عباسی از آغاز تا پایان آل بویه، تهران: سمت.
- جاحظ، ابوعثمان (۱۳۴۳)، تاج، ترجمه محمد علی خلیلی، تهران: کتابخانه ابن سینا.
- جعفریان، رسول (۱۳۷۷)، تاریخ ایران اسلامی، تهران: اندیشه معاصر، جلد اول تا سوم.
- راوندی، مرتضی (۲۵۳۷) تاریخ تحولات اجتماعی، تهران: شرکت سهامی جیبی.
- ربانی گلپایگانی، علی (۱۳۷۴)، «علم کلام در عصر ساسانیان»، مجله کیهان اندیشه، فروردین و اردیبهشت ۱۳۷۴، شماره ۵۹، ص ۱۰۵-۸۵.
- زرین کوب: عبدالحسین (۱۳۷۳)، تاریخ ایران بعد از اسلام. تهران: انتشارات امیر کبیر.
- زیدان، جرجی (۱۳۷۲)، تاریخ تمدن اسلام، ترجمه علی جواهرکلام، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- ستاری، رضا و مراد اسماعیلی (۱۳۹۱)، «بررسی نقش وزیران ایرانی در احیاء و گسترش هویت ملی در دوران حکومت عباسیان سامانیان غزنویان و سلجوقیان»، مجله مزاعات ملی، بهار ۱۳۹۱، شماره ۴۹، ص ۱۸۸-۱۶۳.
- شهرستانی، محمدبن عبدالکریم (۱۳۶۲)، توضیح الملل، جلد ۳، سید محمدرضا جلالی‌نائینی، تهران: انتشارات اقبال.
- صفا، ذبیح‌الله (۱۳۷۵)، دورنمایی از فرهنگ ایرانی و اثر جهانی آن، چاپ اول تهران: انتشارات هیرمند.
- فرای، ریچارد (۱۳۸۸)، عصر زیرین فرهنگ ایران، ترجمه مسعود رجب‌نیا، تهران: سروش، چاپ چهارم.
- قادری، حاتم (۱۳۷۵)، تحول مبانی مشروعیت خلافت، تهران: انتشارات بنیان.
- کانپوری، محمدعبدالرازق (۱۳۴۸)، برمکیان، (عصر طلایی اسلام و خلافت عباسی)، چاپ پنجم، بی جا: انتشارات سنائی.
- گوتاس، دیمیتری (۱۳۸۱)، تفکر یونانی، فرهنگ عربی: نهضت ترجمه کتابهای یونانی به عربی در بغداد و جامعه آغازین عباسی، ترجمه محمد سعید حنایی کاشانی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- مسعودی، ابوالحسن علی ابن حسین (۱۳۷۹)، مروج الذهب، ج ۲، چاپ چهارم، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

- مکی، محمد کاظم (۱۳۸۳)، تمدن اسلامی در عصر عباسیان، ترجمه محمد سپری، تهران: انتشارات سمت.
- مورگان، دیوید (۱۳۷۶)، ایران در قرون وسطی، ترجمه عباس مخبر، چاپ اول، تهران: طرح نو.
- یعقوبی، احمد بن اسحاق (۱۳۸۲)، تاریخ یعقوبی، ترجمه محمدابراهیم آیتی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی. چاپ نهم.

